

پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش.)

مجید فروتن

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

کیوان شافعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

Kaivan_shafei@yahoo.com

محمد قربان کیانی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

انور خالندی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱، سال ۱۷ شماره ۶۵ - صفحه ۱۷۰-۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳

چکیده:

اشغال همدان توسط متفقین در جنگ جهانی دوم پیامدهای متعددی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوجود آورد. فعالیت‌های اقتصادی منطقه در این دوره دستخوش تغییرات و تحولات موقت و زودگذر گردید و تأثیرات جنگ باعث ایجاد شرایطی چون قحطی و کمبود ارزاق، تورم و رکود، گرانی، کم رونق شدن دادوستد، تعطیلی مراکز تولیدی گردید. موضوع این تحقیق بررسی پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم در همدان است. از این منظر پس از شرح اوضاع و شرایط به تبیین علل حادث شدن آن می‌پردازد. پژوهش حاضر روش و رویکردی توصیفی - تحلیلی دارد و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و بر اساس گزارش‌های موجود گردآوری شده است. این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که حادث شدن جنگ جهانی دوم و اشغال همدان چه پیامدها و تأثیراتی بر فعالیت‌ها و زندگی اقتصادی مردم منطقه داشته؟ و عوامل بروز این پیامدها چه بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد؛ عوامل متعدد داخلی و خارجی در بروز مشکلات اقتصادی منطقه در دوران جنگ نقش داشته و اغلب این پیامدها به صورت کوتاه مدت و ناپایدار و محدود به دوران اشغال همدان می‌شده است. به علت این که وضعیت نامناسب اقتصادی همدان در فاصله سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۰ ه.ش از پیامدهای عینی و ملموس زمان جنگ محسوب می‌گردید، رفع این مشکلات در اولویت مردم منطقه بوده است. حادث شدن جنگ جهانی دوم در حوزه اقتصادی صرفاً پیامدهای متعدد منفی و مخرب برای منطقه به بار نیاورد بلکه نتایج مثبتی چون احداث و بهسازی راه‌های ارتباطی، برپایی مراکز تعمیرگاهی به خصوص وسایل نقلیه نظامی و تعلیم استادکارانی در این حوزه نیز به همراه داشته است.

کلید واژه‌ها: همدان، جنگ جهانی دوم، متفقین، پیامدهای اقتصادی

مقدمه:

با شروع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م / ۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش) توسط آلمان‌ها، ناپره جنگ به دیگر کشورها نیز کشیده شد و در پی آن، با وجود اعلان بی‌طرفی از سوی دولت، ایران نیز توسط دول متفق در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال درآمد. اشغال کشور یکی از تاثیرگذارترین حوادث تاریخ معاصر به شمار می‌آید که تبعات و پیامدهای بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به بار آورد و علاوه بر این که در این دوره ایران پل پیروزی متفقین بر متحدین لقب گرفت، محل حفظ منافع آنها به خصوص انگلیس و شوروی گردید. در این شرایط همدان نیز به مانند برخی از شهرهای ایران به اشغال قوای انگلیس و شوروی درآمد و به تبع شرایط جنگ باعث تحولات زیادی در همه ساختارهای آن شد. حضور قوای متفقین در منطقه در حوزه اقتصادی باعث گرانی و تورم، کمبود ارزاق، بحران و قحطی نان، اختلال و کندی بازرگانی داخلی و خارجی به‌خاطر ناامنی راه‌های منطقه، تغییر در بافت کسب و کار شهری و توقف کارگاه‌های صنعتی گردید و در کنار این پیامدهای مخرب برخی پیامدهای مثبت را هم بوجود آورد.

با وجود اهمیت زیاد بررسی پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم بر همدان و همچنین وجود منابع و اسناد متعدد، در این زمینه پژوهشگران تاکنون به انجام تحقیق و پژوهشی علمی مبادرت نوزیده‌اند. پژوهش‌هایی هم که تاکنون در این زمینه صورت گرفته‌اند صرفاً به روایت جنگ توجه داشته و تبعات اقتصادی جنگ جهانی دوم در همدان مورد بررسی جامع قرار نگرفته است. هدف از نگارش این نوشتار در حوزه تاریخ محلی همدان ارائه اطلاعات جدید و مستند از پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم با استفاده از منابع، اسناد و گزارش‌های موجود و تحلیل و بررسی شرایط و اوضاع این دوران است. در این تحقیق سعی می‌شود تاثرات و تبعات اقتصادی جنگ بر همدان از زوایای مختلف بررسی شود تا مشخص گردد حادث شدن جنگ و اشغال همدان چه پیامدهای اقتصادی بر آن منطقه داشته است. با توجه به مباحث مذکور برای تدوین موضوع ابتداء شرایط و حوادث توصیف شده سپس علل و تاثرات آنها مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

در زمینه موضوع تحقیق، مطالعات اندکی وجود دارد و آنچه در خصوص منابع و مطالعات می‌تواند بیان نمود این است که اغلب منابع اخبار و اطلاعات متعدد و تازه‌ای در باب همدان و پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم ارائه نمی‌دهند و تصویری کامل و روشن از شرایط و اوضاع اقتصادی همدان ترسیم نمی‌کنند. اغلب این گزارش‌ها در ارتباط با جنگ جهانی دوم در همدان

تکرار مطالب دیگر نوشته‌ها و منابع پیشین است. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- کتاب «پل پیروزی، سرزمین قحطی ایران در جنگ جهانی دوم» تألیف محمد قلی مجد بیشتر در متن تاریخ سیاسی و دیپلماتیک ایران، پیامد و اسباب و علل قحطی ایران در بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳م را بازگو کرده است. امتیاز این کتاب دسترسی به اسناد و گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا می‌باشد. در این کتاب بیشتر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در دوران اشغال ایران و کم‌کاری دولت‌های خارجی بیان شده است. در خصوص اوضاع همدان در جنگ جهانی دوم ذکر اخبار و اسنادی از قحطی و وضعیت گرانی و بلوای نان قبل از جنگ جهانی دوم دارای اهمیت زیادی می‌باشد.
- ۲- فوران در کتاب خود با عنوان «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران» با وجود این که اطلاعات زیادی از دوران پهلوی اول و وضعیت ایران در آستانه جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهد اما در باب پیامدهای جنگ به خصوص پیامدهای اقتصادی مطالبش به اختصار و در چند صفحه بیان شده است. او سعی دارد با ارائه آمار و ارقام پیامدهای جنگ در زمینه اقتصادی را شرح دهد. داده‌های آماری او بیشتر کلی می‌باشد و در این آمارها به وضعیت شهرهای کشور چون همدان اشاره‌ای ندارد.
- ۳- کتاب «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم» در این مجموعه ۸ جلدی اسناد مختلفی با عناوین تصرف اماکن و اموال، مداخله در امور پولی و مالیاتی، راه‌ها، راه‌آهن و فرودگاه-ها، قطع درختان، نان و غله گردآوری و روایت شده است. برخی از اسناد این مجموعه مربوط به همدان دوران جنگ می‌باشد.
- ۴- «یادداشت‌های ماهانه معاون کنسول همدان بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۳۴۷م» از آرشیو دیجیتال کشور قطر به زبان انگلیسی شامل اسناد و گزارش‌های سال‌های پایانی جنگ در همدان می‌باشد که برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته و حاوی گزارش‌های اقتصادی و وضعیت گرانی و کمبود مواد اولیه در همدان دوران جنگ جهانی دوم می‌باشد. این یادداشت‌ها حکایت از استمرار حاکمیت مشکلات اقتصادی تا سال‌های پایانی جنگ در همدان دارد. علاوه بر این یادداشت‌ها اسنادی دیگری نیز از این آرشیو مربوط به دوران جنگ در همدان می‌باشد که بیشتر حاوی مطالب

سیاسی و نظامی و اقدامات قوای انگلیس در همدان است. این اسناد مربوط به کشور انگلیس می‌باشد که در این مرکز نگهداری می‌شوند.

۵- مقاله «بررسی مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در جریان جنگ جهانی دوم»
تالیف سجاد راعی گلوچه می‌باشد که در آن به بررسی مداخلات انگلستان در امور مالی، راه‌ها و حمل و نقل، امور مالیاتی و عوارض، اختلال در خواربار و نیازمندی‌های مردم و مداخله در امور تجارت و صنعت ایران در دوران جنگ جهانی دوم پرداخته شده است.

۶- در مقاله «وضع صنایع ایران در جنگ دوم جهانی» نوشته رامپور صدر نبوی، اشاره‌ای گذرا و مختصر به وضعیت صنایع ایران در قبل از جنگ و دوران جنگ شده و مطالب آن کلی و کمتر وضعیت صنایع را در دیگر شهرها بررسی کرده است.

۷- در مقاله «اشغال همدان توسط نیروهای انگلیس در جنگ جهانی اول و دوم» نوشته ابوالفتح مومن در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش ایران و استعمار انگلیس منتشره از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بیشتر پیامدهای سیاسی و نظامی جنگ جهانی دوم در همدان به صورت روایی و خلاصه ذکر شده و چندان پیامدهای اقتصادی آن مورد توجه قرار نگرفته است.

همانطور که اشاره گردید هیچ یک از تحقیقات فوق روی موضوع پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم در همدان تمرکز نداشته و کمتر به این موضوع ورود کرده‌اند. از این رو می‌توان گفت رویکرد پژوهش حاضر تا حدودی جدید و متفاوت از تحقیقات و نوشته‌های پیشین است؛ به خصوص این که بخش زیادی از مطالب مقاله حاضر مبتنی بر اسناد و مدارک جدید و رسمی می‌باشد.

۱- کمبود و احتکار گندم:

در آستانه جنگ جهانی دوم همچنان بیشتر زمین‌های کشاورزی همدان متعلق به خوانین و فئودال‌های بزرگ منطقه بود که توسط نمایندگان‌شان امور مربوطه با بهره‌وری رایگان از نیروی کار و وضعیت نامناسب درآمدی، خدماتی و بهداشتی آنها مباشرت می‌شد. حدود ۸۰ درصد از زمین‌های کشاورزی منطقه متعلق به ارباب و خوانین بزرگ بود و کشاورزان در زمین اربابی بر اساس عوامل

پنجگانه زارعت کار می‌کردند و بر مبنای آن تقسیم محصول و امرار معاش می‌کردند. خود رضاشاه همچنین از زمین‌داران بزرگ منطقه محسوب می‌شد. وی صاحب مزارع گندم در همدان بود که از طریق مصادره، مجبور کردن زمین‌داران به فروش و آباد کردن زمین‌های بایر به دست آورده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۳۹). بیشتر زمین‌های متعلق به شاه، توسط خوانین منطقه از بیم از دست دادن املاک به او اهداء گردیده بود. حدود ۲۰ درصد از اراضی کشاورزی منطقه جز املاک وقفی و شخصی بود که در این سه نوع مالکیت، زارعین و دهقانان در مقابل دریافت دستمزد یا محصول بر روی آن کار می‌کردند. به ندرت در روستاهای همدان، روستائیان صاحب زمین وجود داشت. استقلال کشاورز خرده پا در روستاهای همدان کمی بیشتر از کشاورزان و دهقانانی که روی زمین اربابی کار می‌کردند، بود. دخالت دولت در امر کشاورزی، خرید عمده محصولات، اختلال در حمل و نقل محصولات کشاورزی و ورود کالا به ایران و توسعه قاچاق و احتکار کالا اساسی منجر به خلل در سیستم کشاورزی و در نهایت قحطی محصولات کشاورزی شد (برهانی، ۱۳۹۵: ۵۴). با این توضیح کمبود گندم در زمان جنگ جهانی دوم در همدان مختص به این واقعه و یک پدیده موقتی نبود، بلکه شرایط جنگ و اشغال شهر و عوامل متعدد باعث تشدید آن گردید. حادث شدن این پدیده بیشترین حرکت و هیجان مردمی را در زمان جنگ به همراه داشت. به علت خالی شدن روستاها از جمعیت در پی اشغال منطقه، عدم کشت گندم و برداشت کم محصول و نیاز متفقین به گندم، کمبود و قحطی بیشتر احساس شد. «لوئیس دریفوس»^۱ سفیر آمریکا در ایران، کمبود گندم نان را در چند عامل می‌دانست: قبل از جنگ مقداری گندم به آلمان صادر شده بود و بدین ترتیب موجودی انبارهای گندم کاهش یافت. دوم این که محصول گندم در سال ۱۳۱۹ هـ ش اصلاً خوب نبود، ارتش هم نتوانسته بود با برنامه ایجاد انبار استراتژیک خود کمکی به بهبود اوضاع کند (مجد، ۱۳۸۹: ۴۵۸). بنابر این در زمان جنگ جهانی دوم کشت و برداشت غله در نقاط مختلف به سختی انجام می‌گرفت و حمل آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر به راحتی امکان پذیر نبود. انبارها و سیلواها

۱- Louis Dreyfus

۲- گزارش دریفوس به شماره ۲۷ مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۱

خالی و منطقه نیازمند به وارد کردن گندم از خارج از کشور شده بود. در سال‌های اول جنگ تولید گندم کفاف مردم همدان را نداده و دولت مجبور شده بود از طریق نیروهای انگلیسی گندم وارد و در انبارهای شهر ذخیره کند. حدود ۶۰ درصد از عوامل کمبود گندم در زمان جنگ، به دلایل موقت از جمله اشغال منطقه توسط متفقین مربوط بود و ۴۰ درصد به عوامل پایدار از جمله خشکسالی و احتکار. با این حال به نظر می‌رسد که در پدید آمدن این مشکل که منجر به قحطی نان و بحران عمومی در آبان ۱۳۲۰ در همدان شد، عوامل داخلی؛ یعنی: دولت و ملاکان بزرگ منطقه بیشتر از عوامل خارجی علی‌الخصوص نیروهای متفقین نقش داشتند. عوامل پایدار و موقت کمبود گندم در منطقه را می‌توان در چند عنوان کلی تقسیم بندی و تحلیل نمود:

– وقوع خشکسالی و کم شدن محصول گندم

یکی از عوامل پایدار کمبود گندم که برخی از فصول زراعی دامن‌گیر زارعان و کشاورزان منطقه می‌شد، خشکسالی‌های پی در پی و یا متناوب بود که در منطقه حادث می‌شد. طبق گزارش‌های موجود، در آستانه جنگ و ورود متفقین به ایران، منطقه دچار خشکسالی و کمی محصول شده بود. سال ۱۳۱۹هـ. ش سال بد برداشت در همدان بود که برافت صادرات گندم منطقه تاثیر زیادی داشت. با این که سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۲هـ. ش، محصول مناسبی به دست نیامد، اما خشکسالی نیز بهانه‌ای شده بود تا خوانین و تجار محصولات خود را به دولت نفروشدند، چنان که اعلام می‌کردند که در سال ۱۳۲۱هـ. ش محصول خوب نبوده (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۸۷: ۴) تا به این طریق محصولات آنها از مصادره توسط دولت و متفقین مصون بماند.

– احتکار گندم از سوی مالکان و زمین داران

احتکار فقط به شرایط جنگ بستگی نداشت و عاملی موقت در کمبود گندم در منطقه نبود، بلکه عامل پایدار در این موضوع به شمار می‌آمد که در شرایط مختلف حدت و شدت می‌یافت. در زمان جنگ این اقدام مالکان یکی از مهم‌ترین عوامل کمبود و قحطی گندم در منطقه به شمار می‌آمد. خوانین و ملاکان بزرگ منطقه دست کمی از دولت و نیروهای بیگانه نداشتند، در ایجاد و تداوم بحران نقش تاثیر گذاری داشتند. آنان با توجه به این که در شهر و منطقه سیلو وجود نداشت، به قصد گرانی و یا فروش در زمان‌های دیگر به انبار کردن محصول می‌پرداختند. در دوران جنگ

هم با فرماندهان متفقین همکاری داشته، بیشتر گندم را به عوامل آنها می‌فروختند(مصاحبه با علی اصغر نژادپان، ۳۰/۱۰/۱۳۸۰) تا به دست مردم و دولت نرسد. به جهت جلوگیری از احتکار و رفع کمبود طبق اعلامیه دولت آنهایی که گندم داشتند، باید آن را تا تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۰ به سیلوهای وزارت مالیه تحویل می‌دادند و گر نه به ازای هر خروار ۱۰۰ ریال جریمه می‌شدند. (قیمت هر خروار گندم در آن زمان ۱۴۰ ریال بود). اگر بعد از اسفند ۱۳۲۰ از کسی بار گندم می‌گرفتند، مجازات او زندان و مصادره گندم‌ها بود(مجید، ۱۳۸۹: ۴۵۷).

—ارسال گندم به دیگر مناطق کشور

هر ساله مازاد محصول گندم همدان به دیگر شهرهای کشور ارسال می‌شد. در زمان اشغال کشور و نیاز بیشتر به گندم و کمبود محصول ناشی از خشکسالی، ارسال مازاد گندم از همدان در مردم ایجاد التهاب نمود و اعتراض‌های عمومی را در پی داشت. در جدول زیر آمار حمل گندم از همدان به دیگر ولایات ایران قبل از جنگ جهانی دوم آمده است. آنچه در این آمار قابل توجه است، کم شدن میزان ارسال گندم به دیگر نقاط کشور با نزدیک شدن به زمان جنگ می‌باشد. علاوه بر این آمار مذکور کم محصولی گندم همدان را در یک سال مانده به اشغال منطقه توسط متفقین نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: میزان حمل گندم از همدان به سایر نقاط

سال	میزان به تن
۱۳۱۷ش	۳۱۸۰۰
۱۳۱۸ش	۱۵۱۰۰
۱۳۱۹ش	۱۱۸۰۰

منبع: (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۶: ۴)

روزنامه اطلاعات در آذر ماه ۱۳۲۰ خبر از انتقال گندم همدان به شیراز می‌دهد(روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۲۸: ۳). همچنین در آبان ۱۳۲۲ مقدار ۲۰۰۰۰ تن غله از همدان و کرمانشاه برای رفع وخامت کمبود گندم در ایران به دیگر نقاط ارسال گردید(مجید، ۱۳۹۵: ۷۲۵).

—ارسال گندم توسط نیروهای متفقین به خارج از مرزهای کشور

شرایط جنگ و حضور متفقین و نیاز آنها به گندم سبب شد که نظارت دولتی بر انباشت و ذخیره غلات هنگام برداشت محصول کم گردد و بیشتر محصولات توسط قوای متفقین به خارج از کشور ارسال شود. در سال ۱۳۲۲هـ ش روس‌ها حدود یکصد هزار تن غله از ایران خارج کردند و به غیر از معامله با دولت در بازار آزاد هم گندم خریداری کرده به روسیه حمل نمودند. سال ۱۳۲۳هـ ش ده هزار تن غله از مرزهای ایران توسط روس‌ها خارج شد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۱). انگلیسی‌ها برای این که ذهنیت ایرانیان را از دزدی گندم منحرف کنند، از همکاری خود در حمل گندم همدان و بارگیری در کامیون‌های ارتش انگلیس برای حمل به راه‌آهن و توزیع در تهران و دیگر شهرها، اقدام به تهیه و پخش فیلم کردند تا شایعات مربوط به بردن گندم‌ها به خارج از کشور را خنثی کنند (مجد، ۱۳۹۵: ۷۳۶). اشغال‌گران با دامن زدن به کمبود گندم می‌خواستند از این وضع وخیم و التهاب به وجود آمده به نفع خود بهره‌برداری کنند و با ایجاد بدبینی از دولت و نارضایتی مردم شورش و هیجان در شهرها ایجاد نمایند. در این خصوص اقدام به تبلیغ به نفع خود و انجام کارهای عام‌المنفعه و دادن گندم به دولت ایران می‌نمودند و با این سیاست در شرایط بی‌ثباتی مملکت مقاصد خود را در رسانیدن مردم به مرزهای گرسنگی و قحطی دنبال می‌کردند.

—کمبود وسایل حمل و نقل و قطع ارتباط بین روستاها و شهر

این عامل هم به جهت ایجاد و گسترش ناامنی در زمان اشغال منطقه و در اختیار گرفتن راه‌های ارتباطی روستاها و شهر توسط نیروهای متفقین بوجود آمد. با تاسیس شرکت حمل و نقل از سوی نیروهای انگلیس و آمریکا در منطقه، اغلب خودروهای حمل گندم در اختیار این شرکت‌های حمل و نقل قرار گرفت و رانندگان ایرانی به استخدام آنها درآمدند. با این کار متفقین نزدیک به ۷۵ درصد شبکه حمل و نقل و نیمی از کامیون‌های دولتی را در اختیار خود گرفتند (احمدی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۱). در این زمان حمل سلاح و نیرو به روسیه در اولویت بود و مسیر حرکت اغلب خودروهایی که به حمل و نقل گندم از روستاها به شهر می‌پرداختند، به این سمت تغییر یافت. به همین جهت تعداد خودروهای حمل گندم در ارسال سریع محصول به تمامی نقاط کشور کاهش یافت. تعداد کم خودرو کفاف حمل گندم منطقه را نمی‌داد و باعث شد که محصول گندمی که کشاورز با فروش آن هزینه‌های یک ساله خود و خانواده‌اش را تامین می‌کرد، بر روی دستش بماند.

تصاحب و ویرانی زمین‌های کشاورزی

نیروهای انگلیس پس از ورود به همدان، زمین‌هایی را که قبل از آنها زیر کشت می‌رفتند، تصاحب کرده و مراکز نظامی خود را در این نقاط مستقر کردند. طبق گفته شاهدان آنها روزی که به همدان رسیدند، در جالیزها و زمین‌های زارعی اطراف شهر اتراق کردند و به تدریج این مناطق را وسعت بخشیدند. با این اقدام امور زراعت در محدوده نظامی آنها که منطقه وسیعی را شامل می‌شد، تا پایان جنگ و ترک این اراضی مقدور نگردید. در مسیر حرکت نیروهای انگلیسی از کرمانشاه به همدان و از همدان به قزوین و تهران زمین‌های کشاورزی به خصوص کشت‌زارهای گندم آسیب زیادی دید و محصولات آنها مورد تعرض قرار گرفت. این اقدام ضربه بزرگی به زمین‌های کشاورزی منطقه زد. از سوی دیگر ملاکان بزرگ منطقه برای حفظ موقعیت و منافع خود در زمان جنگ سعی می‌کردند که با فرماندهان متفقین کنار آمده، با آنها همراه باشند. به همین جهت املاک و ضیاع اربابی و زمین‌های کشاورزان در اوقات حضور بیگانگان در اختیار آنها قرار گرفت تا در آن مکان‌ها اتراق کنند. تصرف زمین‌های کشاورزی باعث کم شدن قدرت اربابان و محصول و درآمد آنان شد. علاوه بر این خسارت‌های زیادی به بنگاه‌ها و صنوف کشاورزی وارد شد. در این زمان مبلغ ۶۰۵۹۰ ریال، به این مراکز خسارت وارد شد (برهانی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۲- افزایش بیکاری و فقر عمومی:

اشغال منطقه و حوادث ناشی از آن بیکاری و فقر عمومی را در این دوران تشدید کرد. عدم کشت و زرع، کم شدن کارهای عمرانی و ساختمان سازی و اخراج شمار زیادی از کارگران این مراکز باعث شد تا عده زیادی از شاغلان این حوزه‌ها از روی ناچاری و فقر و گرسنگی به خدمت و عملگی نیروهای متفقین درآمده، با دستمزد کم به کارهای طاقت فرسا مشغول شوند. این افزایش بیکاری و فقر و فلاکت عمومی جمعیت زیادی را آزار داد. علاوه بر این تهدیدی هم برای حکومت محلی و ایجاد ناامنی، اغتشاش و تشدید دزدی و غارت محسوب می‌شد. با آن که جنگ از لحاظ اقتصادی باعث ایجاد شکاف طبقاتی گردید و جمعیت بیکار و فقیر را افزایش داد، طبقه مرفه جامعه هر روز که از جنگ می‌گذشت، در شرایط بهتری زندگی می‌کرد و از این فرصت بهترین بهره‌برداری را می‌کرد و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی ممتازی می‌یافت و به افراد پائین دست لطمه زیادی وارد می‌کرد. با گران شدن اجناس جز اینان که از اوضاع آشفته دل خوش بودند، دیگران که درآمدها کم بود و یا درآمدی نداشتند، زندگی فوق‌العاده طاقت فرسایی

داشتند (روزنامه اطلاعات، ش، ۵۲۳۰: ۱). در این اوضاع طبقه بالای شهری راه‌هایی برای پول درآوردن پیدا می‌کردند اما توده مردم از تورم و کمبودها آسیب زیادی دیدند (فوران، ۱۳۹۲: ۴۰۰). حتی ادارات دولتی و متولیان توزیع اجناس هم توجهی به جمعیت بی‌بضاعت نداشتند، در رفع فقر و فلاکت آنها قدمی بر نمی‌داشتند. «اداره خواربار همدان به دهقانان بیچاره که محصول دست رنج آنها موجب تشکیل این اداره شده بود، از اول تاسیس تا حال کوپن و سهمیه قند و شکر و چای و قماش نداده‌اند» (همان، ش ۵۳۳۴: ۴). افزایش شکاف بین توده‌های مردم که سال‌ها زیر بار فقر و بدبختی بودند و افزایش ثروت معدودی از افراد ممتاز جامعه، به پیامدی ناگوار در منطقه مبدل شده بود که برای عادی سازی شرایط و رفع محرومیت‌های ناشی از جنگ به زمان طولانی احتیاج بود.

جنگ برای مردم شهر صرفاً بیکاری و فقر همراه نیاورد. شرایط اقلیمی، سرمای زمستان و نیاز نیروهای متفکین به مواد سوختی باعث گردید که به جهت کمبود و گرانی مواد سوختی جمعیت زیادی از بینوایان و فقرا امکان استفاده از آنها را در سرمای همدان نداشته باشند. به طوری که از همدان گزارش داده‌اند: «نرخ مواد سوختی فوق‌العاده ترقی نموده، بینوایان شهر قادر به تهیه آن نیستند و اظهار نموده‌اند که شهرداری همدان محلی برای جمع‌آوری بینوایان تهیه دیده تا در فصل زمستان از تلف شدن عده‌ای جلوگیری نمایند» (ساکما: ۰۱۰۰-۰۰۰۹۹۳-۲۴۰). در بهمن ۱۳۲۴ به جهت باریدن برف سنگین جاده‌های روستایی به شهر بسته شد و مواد غذایی کمی به همدان می‌رسید. وضع نان در این زمان یک تهدید جدی به شمار می‌آمد. جمعیت زیادی که نمی‌توانستند از نفت و ذغال استفاده کنند، مجبور شدند از خاک اره (براده‌های چوب) برای گرم کردن خود استفاده کنند (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۹۸-۳۶۸۵-۱۲). برای تسکین آلام جمعیت بینوا و آسیب دیده از سرمای زمستان و تامین مایحتاج آنها خیرین شهر تدابیری اتخاذ کرده‌اند که جمعیت زیادی را تحت پوشش قرار داده اما شرایط سخت باعث گردید که این تدابیر چندان کارایی مستمر نداشته باشد. چون اغلب این تدابیر که شکلی احساسی و خودجوش داشت، پاسخگوی نیازهای این افراد که جمعیت آنها رو به افزایش داشت، نبود و اعانه‌های جمع شده نتواند جواب‌گوی نیازمندان شهر باشد (روزنامه اطلاعات، ش، ۵۰۵۳: ۱). در مقابل دولت و حکومت محلی به جای چاره‌اندیشی برای بینوایان، به فکر تامین مایحتاج متفکین بود و کمتر توجه‌ای به مردم داشت. با وجود شرایط سخت و کمبود مایحتاج مردم، دولت از فرمانداری همدان می‌خواهد که به تامین

نیازهای نیروهای متفقین چون هیزم، سبزی، زغال و... اقدام نمایند. پس ماموران محلی موظف به تامین احتیاجات مورد مصرف نیروهای متفقین شدند(ساکما:۰۰۰۸-۰۰۵۴۸۰۳-۰۰۲۴۰).

۳- کاهش تولید و درآمد:

اشغال همدان توسط متفقین در بخش کشاورزی، با از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، کاهش شدید محصول و درآمد حاصل از آن و افزایش قیمت محصولات کشاورزی، منجر به بیکار شدن جمعیت شاغل در این بخش و مهاجرت از روستاها به شهر و خالی شدن روستاها از سکنه گردید. تا شهریور ۱۳۲۰ تولید سالانه هشت کارخانه قند ایران ۳۵ هزار تن بود، اما این میزان در سال ۱۳۲۱-ش به ۱۴ هزار تن کاهش یافت(شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۸۷). در شهریور ۱۳۲۰، تولید میوه ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافت(دهقان نژاد و لطفی، ۱۳۹۳: ۸). اغلب زمین‌های کشاورزی منطقه در اختیار قوای متفقین قرار گرفت و کشاورزان زمین‌ها را ترک کردند. به جاهای دیگر پناه بردند و یا برای امرار معاش به شهرها آمدند و به امور غیر کشاورزی مشغول شدند. اوضاع نامناسب اوضاع جوی، خشکسالی و فقدان بذر کافی و مرغوب باعث گردید که کشاورزان کمتر تمایل به زراعت و برداشت محصول داشته باشند. در ماه‌های اول جنگ مقدار زیادی از غلات نابود شد، به طوری که دهقانان بذر کافی برای کشت نداشتند(امرایبی، ۱۳۹۵: ۳۶). در این شرایط دهقانان کشاورزی را رها کرده، با دستمزدهای ناچیز در جاده سازی و کارهای خدماتی فعالیت کردند. دولت‌های پس از جنگ نیز نتوانستند این جمعیت را دوباره به بخش کشاورزی و روستاها بازگرداند و از سوی آنها اقدام موثر در جهت رونق دوباره اقتصاد کشاورزی دیده نشد. از این رو تا پایان جنگ جهانی دوم تولید محصولات کشاورزی از رونق گذشته خود برخوردار نگردید.

در زمان جنگ نیاز بازار به محصولات کشاورزی و تقاضا برای آن افزایش یافت. کاهش تولید و درآمد حاصل از آن و کاهش مبادلات تجاری و کم شدن مواد اولیه، به این افزایش تقاضا دامن زد. از میزان تولید محصولات اساسی چون گندم، جو، برنج، توتون و میوه کاسته شد. در همدان تولید این محصولات به علت زیر کشت نرفتن نیمی از زمین‌های کشاورزی، به یک سوم دوران قبل از جنگ رسید. این کاهش شدید به علاوه تقاضای بیشتر مردم و بیگانگان حاضر در منطقه، افزایش قیمت‌ها و احتکار و رونق بازار سیاه را به همراه داشت. با توجه به این که بخش کشاورزی به عنوان ستون فقرات اقتصادی کشور، با نزدیک به ۷۵ درصد نیروی کار و ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی دچار کاهش تولید محصول، درآمدزایی شد(فوران، ۱۳۹۲: ۳۹۵). تولید محصولاتی

چون گندم و جو که مورد نیاز شدید مردم بود، ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد و توتون و تنباکو ۷ درصد کاهش پیدا کرد (همان).

۴- اختلال و کندی تجارت داخلی و خارجی:

حدود ۲۵ درصد از جمعیت شهری همدان به حوزه دادوستدی و بازار و فعالیت‌های مرتبط با آن مشغول بودند. در این شیوه تجارت خرده‌کالایی و توزیع عمده کالا، فعالیت بر دوش تجار در مرحله بعد پیشه‌وران و صنعت‌گران بود. در دوران پهلوی اول و سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم، اقدامی موثر برای حوزه تجارت منطقه برداشته نشد و دولت و حکومت محلی نقش زیادی در تجارت و درآمدهای حاصل از آن نداشت. اگر اقداماتی برای مطرح شدن تولیدات این منطقه و انجام مبادلات منطقه‌ای و جهانی صورت گرفت به خاطر اقدامات دولت در راستای تجارت داخلی و خارجی نبود بلکه بر مبنای تلاش بازرگانان و تجار شهر و روابط اقتصادی و تجاری آنها شکل گرفت که باعث گسترش ساختار این طبقه اقتصادی و رونق کسب و کار در حوزه مبادلات تجاری گردید. با این حال تشدید و سرازیر شدن کالاهای خارجی به کشور و فعال شدن شرکت‌های تجاری خارجی در ایران و انحصار تجارت در دست دولت در این دوران سبب خسارت‌های زیادی به تجار و تجارت داخلی شد و اعتراضات و شکایات این افراد همچنین ره به جایی نبرد. جنگ در بخش بازرگانی باعث کاهش میزان درآمدهای صادراتی، کاهش تولید محصول و صدور کالا در مقابل افزایش قیمت محصولات وارداتی و افزایش تقاضا و کمبود اغلب مایحتاج مردم گردید و باعث کندی و اختلال در مناسبات تجارت داخلی و خارجی گردید و محدودیت‌های بسیاری در صادرات ایجاد نمود طوری که حتی صادرات برخی کالاها ممنوع شد. همچنین در این دوره سیاست دولت در تمایل به تجاری کردن کشاورزی در کم شدن محصولات کشاورزی مورد نیاز تاثیر زیادی گذاشت و کشت محصولات نقدینه آفرین مانند پنبه، تریاک، تنباکو و چغندر جای غلات و محصولات غیر تجاری را گرفت (کرمی، ۱۳۹۷: ۷۴). عدم موازنه در صادرات و واردات کشور باعث گردید که محصولات داخلی فروش چندانی نداشته باشد زیرا محصولات خارجی به مقادیر زیادی وارد کشور می‌شد و چون قیمت آنها مناسب‌تر از محصولات داخلی بود خریدار بیشتری داشت و قدرت رقابت را از تولیدات ملی گرفت (برهانی و طیبی، ۱۳۹۸: ۱۹). بیشتر شکایت‌های بازرگانان در این زمان از این موضوع و روش‌های ناعادلانه در خصوص تعرفه‌های گمرکی و عوارض صادرات و اعتراض به عملکرد نامناسب تجار و موسسات خارجی در

تبادلات تجاری بین دو کشور مربوط بود. در طول جنگ جهانی دوم تنها بخش تجاری که رونق یافت، سفته بازی و دلالی بود. بازرگانان کوچک و متوسط آسیب دیدند، اما بازرگانان عمده در موقعیتی قرار گرفتند که سودهای سرشار و باد آورده به جنگ آوردند. زیرا به جهت ایفای نقش واسطه‌گری میان بازارهای محلی و نیازهای متفقین سود بسیار بردند (فوران، ۱۳۹۲: ۳۹۸). به این خاطر ارمغان جنگ در حوزه تجارت ایجاد طبقه‌ای از بازاریان با عنوان تاجر بود که تنها واسطه بوده و تولید کننده نبود (اللهیاری، ۱۳۹۵: ۶۴).

در رکود تجارت داخلی و خارجی همدان در زمان جنگ جهانی دوم، عوامل متعددی نقش داشت که هر یک به نسبتی بر حوزه داد و ستد منطقه تاثیر گذار بود. عواملی متاثر از شرایط سیاسی و اقتصادی ناشی از اوضاع منطقه و اقدامات و سیاست‌های متفقین که عبارتند از:

- بی ثباتی سیاسی کشور و به تبع سرایت آن به منطقه
- ناامنی راه‌های تجاری منطقه و محدودیت در مسیر کاروان‌ها و راه‌های تجاری
- دخالت و مدیریت متفقین در امور تجاری منطقه
- ناتوانی حکمرانان محلی در برقراری و استمرار مبادلات تجاری و رونق

اقتصادی

- کم شدن تولید محصولات صادراتی در زمان اشغال شهر
- ورود نیروهای متفقین به همدان باعث ناامنی راه‌ها و قطع مسیرهای تجاری و در نتیجه کمبود کالا و مواد اولیه گردید. انبارهای شهر از کالا و اجناس داخلی و خارجی خالی شد و انباشت سرمایه بازار رو به پایان گذاشت. بازار شهر به تعطیلی کشیده شد و اگر مجالی برای بازگشایی آن مهیا می‌شد، با اعتراض به عملکرد و تعدیات متفقین مجدداً بسته می‌شد. نوسان فعالیت بازار به علت تعدیات متفقین و کمبود کالا و تقاضا منجر به تعطیلی دائم فعالیت بازاریان و یا تغییر شغل آنان و حتی مهاجرت به شهرهای بزرگ از جمله تهران شد. کاهش قدرت خرید مردم و فقدان پشتوانه اقتصادی و اجتماعی قوی در شهر و عدم حمایت‌های حکومت محلی این طبقه را از دیگر اقشار جامعه آسیب پذیرتر نشان داد. زیرا آسیب‌های سیاسی بر بازار و تجارت، مستقیم‌تر و مخرب‌تر از دیگر فعالیت‌های اداری و اقتصادی بود. عدم امنیت راه‌ها و اختلال در حمل و نقل منظم کالا چرخه معیوب داد و ستد را آشفته‌تر کرد و موجب به هم ریختگی سیستم تبادلات تجاری منطقه شد. علاوه بر ناامنی راه‌ها مشکلات سیستم باربری نیز باعث طولانی‌تر شدن زمان حمل و نقل و معطل ماندن کالاهای عمومی در انبارها شده بود (روزنامه اطلاعات، ش، ۵۲۲۳: ۳).

به همین جهت تجار از ترس به یغما رفتن سرمایه خود، با استفاده از حربه‌های قانونی و غیر قانونی سعی می‌کردند ارتباط مستقیمی با حاکمیت و نظام اداری برقرار سازند تا با استفاده از این چتر حمایتی با ترفندهای گوناگون به فعالیت خود ادامه دهند. با اشغال شهر مدیریت تجارت داخلی و خارجی حتی نوع و میزان مصرف و تولید کالا بیشتر به دست نیروهای متفقین افتاد و این کارکرد تا زمان تخلیه شهر ادامه داشت. بر این اساس متفقین کالاهای خود را به بالاترین قیمت می‌فروختند، ارزش پول ایران را کاهش می‌دادند، اسکناس چاپ می‌کردند و خودشان به خودشان اعتبار می‌دادند (فوران، ۱۳۹۲: ۳۹۹).

در طول جنگ از ارزش واقعی صادرات حدود ۷۵ درصد کاسته شد. صادرات به محصولاتی چون فرش، پنبه، خشکبار و گندم محدود گردید و پس از جنگ هم تا مدتی این محدودیت صادرات به قوت خود باقی ماند. اقلام تجارت خارجی محصولات کشاورزی در زمان اشغال، گندم، جو، سیب زمینی، تریاک، توتون و تنباکو و پنبه بود. برخی از این محصولات قبل از جنگ به میزان قابل توجهی به کشورهای همسایه چون عراق و کشورهای اروپایی صادر می‌شد. اما در دوران جنگ و اشغال میزان این اقلام به زیر ۳۰ درصد رسید. با موانع به وجود آمده در مسیر صادرات کالا عملاً ارسال این محصولات با کندی و مشقات زیادی انجام می‌گرفت. بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ هـ. ش عرضه فرآورده‌های دامی برای صادرات به شدت کاهش یافت. به علت بالا رفتن قیمت پشم در بازارهای جهانی، از ارزش فرش همدان و استفاده تدریجی از پشم منطقه و به نسبت از میزان صادرات آن کاسته شد (صوراسرافیلی، ۱۳۷۵: ۲۵) و باعث گردید که قیمت فرش - به گفته یک فروشنده اجناس قیمتی - از ۱۰ به ۳۰ کاهش یابد که دلیل آن ضعف بازار آمریکا در خرید و فروش فرش همدان بود (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۲۲-۳۶۸۵-۱۲).

جدول شماره ۲: مقایسه کالاهای صادرات غیر نفتی ایران بین سال‌های اولیه و پایانی جنگ

جهانی دوم

فرش	پنبه	خشکبار و میوه	پوست	امعاء و احشاء	پشم	تریاک	برنج	صمغ	کالاهای صنعتی	سایر
۱	۵	۱	۵	۳	۱	۵	۳	۸	-	۱
۶۷	۳/	۹/۵	۳/	۳/	۹/۵	۹/	۹/	۴/		۳۲۰

پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم در همدان

۲	۰	۱	۴	۰	۴	-	۱	۶	-	۱
۴/۵	۴/	۳/۶	۴/	۷/	۳/		۵/۱	۵/		۳۲۵

منبع: (نوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)

جدول فوق نشان می‌دهد که با کاهش صادرات اقلام ذکر شده که مهم‌ترین محصولات صادراتی همدان در حوزه‌های کشاورزی، باغی، دامی و صنایع دستی بود از صادرات آنها به میزان زیادی کاسته شد.

از مهم‌ترین محصولات صادراتی همدان که در ایام جنگ توسط متفقین با وجود تنگناهای موجود همچنان به دیگر کشورها ارسال می‌شد، گندم بود. برخی از اسناد و مکاتبات، از خریداری و صادرات سیب‌زمینی و حبوبات همدان توسط تجار ایرانی و ماموران انگلیسی و ارسال به عراق و سوریه حکایت دارد. علی‌رغم تصویب ممنوعیت صدور سیب‌زمینی از ایران توسط دولت در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۲۰، در چندین نوبت سیب‌زمینی و لوبیای همدان توسط صادرکنندگان خریداری شد و به علت نگرانی از فاسد شدن آنها، دولت اجازه خروج آنها را در اوزان مختلف داد. سیب زمینی مورد نیاز نیروهای انگلیسی مقیم عراق از سوی ماموران اداره تدارکات ارتش انگلیس در منطقه خریداری و از طریق شرکت سهامی باربری بین‌المللی ایران به عراق صادر می‌کردند. یک گزارش حاکی از صادر شدن ۵۰۰ تن سیب زمینی همدان توسط انگلیسی‌ها به عراق است (ساکما: ۲۰۰۲۰-۰۲۳۵۰۳-۰۲۴۰). در گزارش دیگری اداره دارایی همدان از وزارت دارائی اجازه می‌خواهد که به سبب فراوانی سیب زمینی و نبود متقاضی داخلی، با توجه به روی آوردن کشاورزان به تولید آن، جهت جلوگیری از فاسد شدن به عراق صادر گردد که با وجود موافقت‌های ضمنی وزارت بازرگانی به علت کمی خواربار و وجود نیروهای خارجی مصرف‌کننده، با آزادی صادرات آن ولو به قیمت فاسد شدن حدود هزار تن محصول سیب زمینی موافقت نشد (همان: ۰۰۴-۰۹۲۳۵۹-۰۲۴۰).

محصول دیگری که در همدان ارزش صادراتی داشت، تریاک بود که تا زمان جنگ جهانی دوم مزارع و میزان تولید آن در همدان قابل توجه بود و عایدات مناسبی برای کشت کاران این محصول در منطقه داشت. در آستانه جنگ و اشغال منطقه میزان تولیدات و صادرات این محصول کاهش یافت. دو عامل در کاهش تولید این محصول تاثیر گذار بود: یکی برنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در جلوگیری از کشت و صادرات آن و دیگر برخلاف مزارع کشت تریاک در کشور که در زمین‌های وسیع و مجزا کشت می‌شد، کشت تریاک در همدان در کنار کشت‌های اصلی چون گندم و جو و دیگر محصولات به صورت محدود و کشت جانبی رواج داشت و فقط به خاطر

درآمد، تقاضای زیاد و قیمت بالا کشت آن مورد توجه زارعان منطقه بود. با تصرف برخی از زمین‌های کشاورزی توسط نیروهای متفقین و کشت نکردن زمین‌های کشاورزی توسط زارعان تولید تریاک بسیار کم شد و این محصول دیگر نقش صادراتی نداشت و تولید آن تنها پاسخگوی مصرف داخلی بود.

جدول شماره ۳: توزیع جغرافیایی تجارت ایران در سال‌های اولیه و پایانی جنگ

سال	انگلیس	هند	شوروی	آلمان	آمریکا	ژاپن	سایر کشورها
۱۳	۵/	۳۲	۱۱	۱۹	۲۴	۳	۱۴
۲۰	۷	۱/	۹/	۵/	۷/	۰/	۴/
۱۳	۱۷	۱۳	۱۹	۱۰/	۲۴	۰	۲۳
۲۵	۸/	۷/	۸/	۲	۷/	۱/	۶/

منبع: (نوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

قبل از جنگ شرکای اقتصادی بازرگانان همدان به ترتیب تجار و شرکت‌های تجاری انگلیس، شوروی و آلمان بودند و بیشترین حجم محصولات کشاورزی و دامی به این کشورها ارسال می‌شد و در مقابل تجار همدانی هم بیشترین حجم کالاهای تجاری مورد نیاز خود را از این کشورها وارد می‌کردند. مواد خام و محصولات کشاورزی و دامی مانند غله، پشم، حبوبات و قالی به آلمان ارسال و در مقابل آلمان‌ها نیز قند و شکر و برخی محصولات صنعتی را صادر می‌کردند (احمدی و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۰). در زمان جنگ و کوتاه شدن دست آلمان‌ها از ایران، بیشترین توزیع جغرافیایی کالاهای صادره و وارده از همدان به شوروی، انگلیس و عراق بود. در این زمان که تجارت با اروپا متوقف شد، به تدریج دایره جغرافیایی تجارت همدان تغییر نمود و سهم هند و عراق به شدت افزایش یافت. کالاهای آمریکایی بازار همدان را اشباع نمود و صادرات از همدان به این کشور افزایش یافت.

۵- گرانی و تورم:

یکی از دلایل گرانی ارزاق و اجناس در زمان جنگ جهانی دوم، نیاز نیروهای متفقین و سهم بالای مصرف آنها از مواد غذایی موجود در منطقه بود. کاهش تولید مایحتاج اولیه مردم به علت عدم ورود کالا موجب نوسان و صعود قیمت‌ها و افزایش تورم گردید و باعث شد که مردم توان

خرید مایحتاج روزانه خود را نداشته باشند. آمار نشان می‌دهد که قیمت‌ها در فاصله ۱۳۱۹-۱۳۲۳ش هفت برابر شده است (فوران، ۱۳۹۲: ۳۹۹). تعدیات خوانین منطقه در احتکار ارزاق و همراهی آنان با قوای متفقین و فساد اداری که اغلب قیمت‌ها را تشدید می‌کرد، از دلایل گرانی ارزاق در زمان جنگ در همدان بود. افزایش قیمت‌ها چنان شده بود که برخی از مقامات محلی شکایت داشتند (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۱۲-۳۶۸۵-۱۲). سیاست و عملکرد کارکنان اداره ارزاق همدان - که با هدف رفع کمبودها و توزیع عادلانه مایحتاج عمومی تاسیس شده بود- این اداره را به یکی از عوامل مهم گرانی کالاها تبدیل کرد. در این خصوص مکاتبات متعددی صورت گرفت تا دولت به انحلال اداره ارزاق همدان قانع گردید. «ریدر بولارد»^۳ در گرانی ارزاق و اجناس، رشوه‌خواری و دزدی ماموران دولتی را دخیل می‌داند که از این طریق به ثروت کلانی دست‌یافته بودند. او در خاطراتش آورده است: «یک مامور دون‌پایه در اداره ارزاق همدان که به امر محاسبه سهمیه غلاتی که هر یک از زمین‌داران می‌بایست به قیمت تعیین شده به دولت بفروشند، اشتغال داشته، ملکی به ارزش تقریباً هزار برابر حقوق ماهیانه‌اش خریده است. این است مفهوم رایج خدمات عمومی در ایران» (بولارد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). روزنامه اطلاعات از گرانی میوه با وجود وفور محصول باغات شهر خبر داد و به عملکرد شهرداری همدان در افزایش قیمت‌ها اعتراض کرده و نوشت: با گرانی میوه طبقه ضعیف از خوردن میوه محروم شده‌اند (روزنامه اطلاعات، ش، ۵۲۴۱: ۳). در عملکرد توزیع نامناسب اقلام توسط اداره دارایی همدان آمده است: «چند روزی است، اداره دارایی به اهالی قماش نفروخته و موجودی‌اش تکافوی مصرف عموم را نمی‌کند. طبقه ضعیف هم نتوانسته از بازار آزاد به نرخ گران جنس بخرند» (همان، ش، ۴۹۸۰: ۴). این شرایط تا جایی پیش رفت که «منشور»، نماینده همدان در مجلس شورای ملی، درخواست توزیع قند و قماش در دهات و شهر کرد (همان، ش، ۵۲۲۲: ۱). علاوه بر نظام اداری کسبه و خورده فروشان نیز در گرانی اجناس نقش عمده‌ای داشتند. هر وقت هم که دولتیان برای تنظیم قیمت‌ها و ممانعت از افزایش بهای اجناس ورود مستقیم می‌کردند، معمولاً نتیجه منفی می‌داد و بازار به مقابله و ایستادگی می‌پرداخت. شهردار همدان چندین بار برای

کاهش قیمت‌ها تلاش کرد؛ «تنها نتیجه ملموس در قیمت گوشت این بود که قصاب‌ها اعتصاب کردند و هیچ گوشتی در بازار عرضه نشد. یک قصاب علنی شلاق خورد، اما اعتصاب همچنان ادامه یافت. این تقصیر کاملاً به گردن قصاب‌ها نبود، زیرا دامداران از ذبح گوسفند با قیمت‌های کاهش یافته خودداری می‌کردند» (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۵۸-۳۶۸۵-۱۲).

اغلب گزارش‌های موجود در خصوص گرانی قیمت اجناس و مایحتاج اولیه بیانگر گذران روزگار سخت مردم همدان در این دوران است. طبق گزارش روزنامه اطلاعات گوشت در اسفندماه ۱۳۲۰ گران گردید. در همان ماه در قیمت آن تجدید نظر شد و قیمت هر کیلو گوشت هفت ریال و نیم تعیین گردید که به نسبت ماه‌های گذشته بر قیمت آن افزوده شد (روزنامه اطلاعات، ش: ۴۸۱۹: ۳). مجدداً از طرف شهرداری نرخ گوشت سه کیلو ۱۸/۳۰ ریال در همدان تعیین شد. اما بعد از مدتی کوتاه افزایش یافت و به قیمت هر سه کیلو ۲۵/۶۰ ریال رسید. روزنامه اطلاعات در مهرماه ۱۳۲۰ از افزایش قیمت خرید گندم در همدان از ۵۲۰ ریال برای هر تن به ۱۰۰۰ ریال خبر داد (همان، ش: ۴۶۶۰: ۴). در شماره‌های بعدی این روزنامه به ترقی ناگهانی بهای اجناس در ظرف چند روز اعتراض شد؛ نان در همدان به کیلویی ۳ ریال رسید (همان، ش: ۵۲۱۹: ۳). با وجود تفویض اختیار به «آرتور میلیسپو»^۴ در تنزیل قیمت‌ها در همدان همچنان نرخ نان کوپنی در حال ترقی بود (همان، ش: ۵۲۲۳: ۳). علاوه بر افزایش قیمت مایحتاج اولیه دیگر محصولات نیز هم پای آنها گران شد و مردم کمتر به اقلام مورد نیاز دسترسی پیدا می‌کردند؛ «حبوبات چند روزی است که قیمت آن ترقی کرده، علت آن معلوم نیست. افزایش قیمت این محصول به صدی ده رسیده است» (همان، ش: ۴۹۶۵: ۴). طبق گزارش مورخ ۴ آذر ۱۳۲۰ اداره دارایی همدان به وزارت دارایی نرخ لوبیا و سایر حبوبات ۲۵ درصد افزایش یافت (همان). در فروردین ۱۳۲۳ بهای قماش و پارچه در همدان حدود ۴۰ درصد افزایش یافت. قیمت غذاهای اصلی در اواخر جنگ نیز در شهر همچنان سیر صعودی دارد. نان ۱۰ تا ۱۱ ریال در هر ۳ کیلو، برنج از ۴۸ به ۵۰ ریال و روغن از ۲۰۰ به ۳۲۰ ریال افزایش یافته است (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۲۲-۳۶۸۵-۱۲).

در خصوص نرخ سیگار؛ «در دوم بهمن ۱۳۲۱ از همدان اطلاع می‌دهند که مجدداً شرکت توتون چندی است مشغول فروش توتون شده ولی متاسفانه شعب خورده فروشی سوء استفاده

می‌کنند. نرخ هر بسته توتون سیگار با لحاظ شدن منافع، ۳/۵ ریال است. معمولاً شرکت می‌گوید، موجودی ندارد و خورده فروش‌ها و عطاری‌ها هم هر بسته را ۵/۵ ریال کمتر نمی‌فروشند» (روزنامه اطلاعات، ش ۵۰۷۹: ۱). این روزنامه عامل گرانی و توزیع نامناسب سیگار را، شرکت سیگار در همدان می‌داند (همان، ش ۵۳۵۷: ۴). یادداشت معاون کنسول انگلیس در همدان که اعلام می‌دارد: قیمت سیگارهای محلی ۵ ریال در هر ۱۰۰ ریال افزایش یافته است، این روایت‌ها را در خصوص نقش عوامل محلی در گرانی سیگار تأیید می‌کند (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۲۲-۳۶۸۵-۱۲). شرایط بحرانی شهر ناشی از جنگ در زمستان گرانی سوخت را در سال ۱۳۲۱ هـ ش به همراه داشت؛ «زغال در همدان خرواری هزار و ششصد ریال است» (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۴۴: ۳). قیمت این جنس به نسبت سال گذشته دو برابر افزایش یافته بود.

یک زن انگلیسی ساکن همدان در مکاتبه با والدینش در لندن به تاریخ اسفند ۱۳۲۱ هم به افزایش قیمت‌ها و تورم اشاره دارد؛ «قیمت‌ها هنوز بالا می‌رسند و خیلی از اجناس ۶ یا ۷ برابر قیمت پارسال به فروش می‌روند. یک پوند شکر ۳/۵ شلینگ آب می‌خورد، که هم به جایی نمی‌رسد... یک پوند کره در حدود ۵ شلینگ است... برای ما شرایط سختی است. ولی این شرایط برای مردم بینوا هزاران مرتبه سخت‌تر است» (مجد، ۱۳۹۵: ۶۱۹). در مکاتبه «جی زد زیکلر»^۹ از اعضای میسیون آمریکایی در همدان با خانم «فانک لاندردیل»^۶ در آمریکا به تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۲۲ به اوضاع نامناسب همدان، گرانی قیمت‌ها، بالا رفتن سریع هزینه‌ها و حقوق کم کارگران به عنوان مشکل اصلی مردم در دوره جنگ اشاره شده است؛ «نه تنها قیمت ارزاق مدام بالا رفته، بلکه برای تهیه قند و شکر، چای، برنج و سیب زمینی از اداره خواربار ساعت‌ها وقت صرف و مکاتبات زیادی انجام شده است. ما مشمول برنامه جیره‌بندی نبودیم و همین باعث شده تا برای گرفتن مایحتاجی که قرار بود به‌دستمان برسد، دائم تلاش کنیم. همان روزی که جیره‌بندی آغاز شد، قیمت سهمیه یک روز نان برای بیمارستان از ۸۴ ریال به ۲۲۰ ریال رسیده و از آن روز تاکنون نزدیک به همین قیمت باقی مانده است...» (همان: ۶۲۵).

افزایش بی حد و حساب قیمت‌ها و تورم فقر و شکاف طبقاتی را در منطقه گسترش داد. البته طبقه مرفه جامعه آسیب کمتری دید اما به افراد پائین دست شهری آسیب بیشتری وارد شد. هر چه بر گرانی و تورم در زمان اشغال شهر افزوده می‌شد، فاصله طبقاتی در شهر و جمعیت شهری

و روستایی عمیق‌تر می‌گردید. در سال‌های اول جنگ، انتشار بیش از حد اسکناس، افزایش فزاینده پول در گردش، رشد حجم نقدینگی، تورم شدید و بالا رفتن سرسام آور قیمت‌ها را به دنبال داشت. این تحولات اقتصادی تاثیر مخربی بر جمعیت، خاصه در شهرهای بزرگ برجای نهاد(احمدی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴). در زمان اشغال تورم اقتصادی ۱۰ برابر بیشتر از قبل شد. تورم همراه با قحطی گسترده افزایش شاخص هزینه‌های زندگی را به همراه داشت. هزینه زندگی در زمان اشغال ایران نزدیک به ۷۰۰ درصد افزایش یافت. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ش، هزینه زندگی از رقم پایه ۱۰۰ به ۷۷۸ افزایش یافت؛ و قیمت‌ها تقریباً هشت برابر شد(دهقان نژاد و لطفی، ۱۳۹۳: ۶). با این شرایط سخت در این زمان یک عده «از زیادی اسکناس به دنبال خرید و بنکداری کالاهای مختلف در همدان بودند و سبب گرانی می‌شدند تا جایی که با این وضع حتی زندگی برای طبقه ثروتمند شهر طاقت فرسا شده بود»(روزنامه اطلاعات، ش، ۵۲۴۳: ۱).

۶- جیره بندی ارزاق:

با توجه به گرانی ارزاق و کمبود آن دولت به منظور دسترسی همگان، به خصوص تهیدستان و فقرا، مجبور شد برای نخستین بار اقدام به جیره‌بندی و تهیه کوپن برای خانواده‌ها مطابق با جمعیت آنها نماید. روز ۶ آذر ۱۳۲۱ برای سرشماری و توزیع کوپن تعطیل عمومی اعلام شد(روزنامه اطلاعات، ۵۰۴۸: ۱). در این برنامه بیش از ۳۵۰۰ کارمند دولت اوراق مخصوص جیره بندی را بین خانواده‌ها توزیع نمودند(نجمی، ۱۳۷۰: ۴۹۴). کوپن‌ها مطابق احتیاجات خانواده‌ها برای استفاده از ارزاق توزیع گردید و عواملان توزیع تعیین شدند. در این جیره بندی نان، قند، شکر، چای و سایر خواربار روزانه به صورت کوپنی توزیع می‌شد. در مراحل بعد برای هر فرد کارت مخصوص صادر شد که شامل کوپن‌های قند و شکر شش ماهه و قماش شش ماهه و سایر کالاها بود اما جیره بندی و توزیع کوپن هم نتوانست راهکار رفع کمبود کالاهای اساسی چون نان و مسیر مناسبی برای دسترسی همگان، به خصوص بینوایان و ساکنان روستاها، به مایحتاج اولیه شود و باعث ایجاد بازار سیاه، قاچاق و خرید و فروش کوپن و چاپ کوپن‌های تقلبی شد. «اردیبهشت ۱۳۲۳، ۱۴۰ هزار کوپن را با اسامی جعلی میان اهالی همدان منتشر کردند. این در حالی بود که جمعیت این شهر تا شعاع ۶ کیلومتری بیش از ۱۱۰ هزار نفر نبود»(رعد امروز، ۱۳۲۳، ش ۱۶۰: ۴). عده‌ای به نوایی رسیدند و تمام عواملان توزیع از خرید کوپن‌های اضافی منافع سرشاری بردند. برای کنترل کوپن‌ها پیشنهاد شد که در یکی از مساجد همدان افراد با شناسنامه خود حضور

یابند تا کوپین‌های آنها مهر زده شود (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۷۱: ۳). اما با ازدحام جمعیت این کار نیز میسر نشد و قرار شد که صاحبان کوپین به اداره خواربار مراجعه و همان جا قند و شکر و دیگر اقلام را دریافت نمایند (همان، ش ۵۲۸۰: ۳). عاملان توزیع ارزاق در شهر گاهی خود اقدام به فروش قند و شکر به قیمت آزاد می‌کردند که باعث شد که طرح جیره بندی اجناس چندان موفق نباشد. با جیره بندی قند و شکر قیمت آن از ۸ ریال در بازار سیاه به ۱۲۳ ریال افزایش یافت (فوران، ۱۳۹۲: ۴۰۰). این کار عاملان توزیع چندین نوبت باعث هیجان و سر و صدا در شهر گردید. تقسیم قند و شکر و دیگر اجناس باعث ازدحام مردم در مقابل مغازه‌های توزیع کننده می‌شد و اعتراضات زیادی برمی‌انگیخت. برای جلوگیری از احتکار خواربار و توزیع مناسب در شهر، شورای خواربار به ریاست فرمانداری تشکیل شد؛ «شورای تامین خواربار و مایحتاج عمومی مرکب از فرماندار، شهردار، رئیس دارایی، دادستان، رئیس بانک ملی و چهار نفر معتمد محلی روز ۳۱ تیرماه ۱۳۲۱ تشکیل شد و قانون و آیین نامه منع احتکار تصویب و هیات رئیسه شورا انتخاب و قرار شد که روزهای دوشنبه مرتب جلسات آن تشکیل شود» (همان، ش ۴۹۵۷: ۴). علاوه بر این برای دسترسی همگان به اقلام مورد نیاز در شهر کمیته خواربار برای دادن حواله قند و شکر و برنج تشکیل شد تا اغلب مردم، به خصوص طبقات ضعیف شهر هم بتوانند مایحتاج خود را تهیه کنند. در نتیجه این کار علاوه بر کارکنان دولت، عده‌ای از مردم هم توانستند از مزایای این حواله‌ها استفاده کنند. با تمام این احوال اقدامات متعدد دولت و حکومت محلی نتوانست از کمبود مواد اولیه، احتکار و گرانی کالاهای اساسی در زمان اشغال شهر جلوگیری نماید و مردم منطقه تا پایان جنگ با این معضلات درگیر بودند.

۷- وضعیت نامناسب راه‌های ارتباطی و حمل و نقل:

یکی از تاثیرات جنگ جهانی دوم در منطقه آسیب به سیستم حمل و نقل و سیطره اشغالگران بر راه‌های ارتباطی و تجاری بود. آنها مامور تامین امنیت حمل و نقل مایحتاج عمومی و تجهیزات نظامی شدند. علاوه بر این کنترل و نظارت بر شبکه حمل و نقل و خودروهای مورد نیاز را عهده‌دار شدند. متفقین با تاسیس شرکت‌های حمل و نقل عمومی، نبض اقتصادی شهر و کنترل راه‌های ارتباطی را بدست گرفته، با سیاست راهبردی همه نقاط ارتباطی حساس منطقه را تحت پوشش برنامه‌های نظامی و اقتصادی خود قرار دادند. ایجاد پاسگاه‌های کنترل و نظارت بر راه‌های اصلی و فرعی و وسایل نقلیه، دستگیری افراد و ضبط اموال از دیگر اقدامات آنان بود. شرکت

ایران و بریتانیا با ایجاد پست‌ها و پاسگاه‌های تفتیش به کمک سربازان معتمد انگلیسی به کنترل و تفتیش اتومبیل‌های نظامی و تجاری و اتومبیل‌های کنتراتی حمل و وسایل نظامی و جلوگیری از حمل اجناس یا مسافر غیر مجاز در مسیر همدان به تهران و جنوب می پرداختند. وظایف این پست‌ها تطبیق بارنامه‌ها با محمولات، پیاده کردن مسافران غیر مجاز و رسیدگی به هویت رانندگان و تذکره و جزئیات تاریخ و ورود و خروج بود. هر یک از این پست‌ها یک مترجم داشت (اسنادی از اشغال ایران، ۱۳۸۹: ۲/ ۲۶۴). برخلاف نیروهای انگلیسی، قوای شوروی در نظم و انضباط شهر و راه‌های مواصلاتی آن کمتر دخالت داشت. نیروهای انگلیسی علاوه بر شهر بر راه‌های جنوب و غرب همدان و نیروهای شوروی بر راه‌های شرقی همدان کنترل داشتند. مسیر همدان به قزوین و تهران و کنترل ورود و خروج کاروان‌های تجاری و نظامی در این راه‌ها در اختیار نیروهای شوروی بود. پس از فتح تهران، ستون دوم قوای شوروی به فرماندهی ژنرال «واسیلی نوریکوف»^۷ به همدان آمد و بعد از قوای انگلیس در منطقه مستقر شد. این ستون با ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی در مسیر همدان- قزوین به بازرسی مسافران می پرداخت. در گزارش فرمانده شهربانی کشور آمده است: «دو روز است که از طرف نیروی شوروی یک افسر و دو دژبان در نزدیکی محل سابق نیروی آمریکایی‌ها رو به دروازه همدان و رشت پاس‌هایی گمارده و کلیه مسافران را که از این راه می آیند، بازرسی می کنند و اجازه حرکت می دهند» (قطبی، ۱۳۸۹: ۴۴۴).

چنان که گفته شد یکی از مشکلات اصلی حمل و نقل در منطقه، وضع نامناسب راه‌ها و عملیات باربری بود که کمبود و گرانی محصولات و اجناس را در پی داشت؛ «نخود و لوبیا بین انبارها می چرخد و بدون این که حمل شود، افزایش قیمت پیدا کرده است. نخود به خرواری ۴۰۰۰ ریال و لوبیا به ۱۰۰۰ رسیده است» (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۶۷: ۴). نامناسب بودن جاده‌های ارتباطی و شلوغی راه‌ها به جهت رفت و آمد خودروهایی متفقین و شرکت‌های حمل و نقل، باعث گردید که تلفات جاده‌ای بیشتر از گذشته شود. همه روزه حضور خودروهایی متفقین در جاده‌ها پیامدهای ناگواری برای ساکنین اطراف راه‌ها به بار آوردند: «اتومبیل‌های خارجی که رفت و آمد زیادی در منطقه دارند، هیچ هفته‌ای نیست که چند نفر را در راه‌های خارج از شهر زیر نگیرند و تلف نکنند» (همان، ش ۵۲۲۰: ۳).

یکی از پیامدهای مثبت جنگ در حوزه راه‌سازی و نوسازی؛ احداث و مرمت راه‌های ارتباطی و تجاری شهر به سبب موقعیت ارتباطی آن بود. نیاز نیروهای متفقین در زمان جنگ به راه‌های

ارتباطی منطقه در احداث راه‌های جدید، ترمیم آن و ارتباط روستاها به راه‌های اصلی و نقاط شهری به جاده‌های اصلی اهمیت راه‌های منطقه و احداث راه‌های جدید را دو چندان کرده بود. در اجراء این سیاست نظامی و تجاری تا حدودی راه‌های فرسوده منطقه ترمیم و بازسازی شد تا مناسب حمل و نقل و انتقال سربازان و تجهیزات نظامی و مایحتاج آنها گردد. احداث راه‌های جدید در منطقه همچنین اجرای عملیات نظامی را برای آنها تسریع نمود. با راه‌اندازی شرکت‌های ایرانی و خارجی در راه‌سازی و شهر سازی کارگران زیادی در آن مراکز مشغول به کار شدند. برخلاف دیگر صنایع که در زمان جنگ آسیب فراوانی دیدند و دچار رکود فعالیتی شدند، این شرکت‌ها به فعالیت خود ادامه دادند. در آبان ۱۳۲۰ هیاتی از طرف کمپانی کامپاکس برای تعویض و اصلاح راه‌های شوسه غرب از مرکز به همدان وارد شده، محلی را در قسمت جنوبی کنار شهر اجاره کرده، اداره خود را در آنجا دایر کردند. با پایان جنگ و ترک منطقه از سوی متفقین راه‌های زیادی که روستاها را به شهر و شهر را به دیگر شهرها متصل می‌کرد، باقی ماند. روزنامه اطلاعات در تیرماه ۱۳۲۱ش از مرمت و آسفالت کردن جاده‌های همدان خبر می‌دهد: چند روزی است که راه تاکستان، همدان به کرمانشاه به طول ۳۸۵ کیلومتر و همچنین راه همدان به ملایر به طول ۱۴۲ کیلومتر در دست آسفالت می‌باشد. همچنین اصلاح راه کرمانشاه به همدان به طول ۱۹۰ کیلومتر و همدان به کرج به طول ۳۳۴ کیلومتر و راه همدان به اهواز به طول ۵۱۰ کیلومتر در حال انجام می‌باشد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۲۵: ۱). احیا و بازسازی شبکه‌های حمل و نقل هوایی نیز از سیاست‌های نیروهای متفقین بود. ساخت و احداث بنای برج مراقبت فرودگاه همدان یادگار این دوران است. هواپیماهای انگلیسی و آمریکایی از طریق این فرودگاه اقدام به جابجایی نیرو و کالا و حتی مأموریت‌های نظامی می‌کردند. نیروهای انگلیسی علاوه بر در اختیار داشتن راه‌های ارتباطی و مراسلات پستی و نظارت بر حمل و نقل، خطوط تلگرافی منطقه را نیز در اختیار خود داشتند. در نامه بولارد، سفیر انگلیس در ایران، به تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۲۱ به نخست‌وزیر تقاضای تحویل گرفتن و به‌کار انداختن خطوط تلگرافی بین‌المللی از قزوین به خانقین از طریق کرمانشاه و همدان مطرح شده که در پاسخ وزارت پست و تلگراف و تلفن آمده است: «در ساعاتی که تهران - بغداد مبادلاتی ندارند، کرمانشاه، همدان، قزوین و نقاط بین راه از سیم مذکور استفاده می‌کنند» (اسنادی از اشغال ایران، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۶ و ۱۲۷).

۸- نقش شرکت یو کی سی سی همدان:

شرکت بازرگانی پادشاهی متحده (UKCC)^۸ توسط قوای متفقین در ایران تاسیس گردید که به ریاست یک ایرانی و نیروهای متفقین اداره می‌شد. حوزه فعالیت این شرکت حمل و نقل بود. در ایام جنگ به سبب نیاز خودرو و کامیون جهت حمل و نقل قوا و تسلیحات، متفقین در ایران توافق کردند که با همکاری آمریکا این شرکت را راه‌اندازی کرده، انتقال مایحتاج و نیروها از ایران به شوری را بر عهده بگیرند. این شرکت در گام اول با راه‌اندازی شعبات خود در شهرهای مختلف کشور اقدام به مصادره کامیون‌های فعال در سیستم حمل و نقل ایران جهت بهره‌برداری و استفاده در اهداف نظامی کرد. تا قبل از شهریور ۱۳۲۰، چهار هزار دستگاه کامیون در ایران فعالیت می‌کرد که از این تعداد شصت دستگاه آن توسط ماموران شوری در ایران مصادره شد (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۶۰ / ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). در سال‌های بعد تعداد این کامیون‌ها به دو هزار دستگاه افزایش یافت (همان). پس از شهریور ۱۳۲۰ این شرکت که با هدف خریداری برخی کالاهای ضروری، مسئولیت سنگین ساماندهی سرویس‌های حمل و نقل جاده‌ای را بر عهده گرفت، عملاً نیمی از کامیون‌های ایرانی (۲۰۰۰ کامیون از تعداد کل ۴۰۰۰ کامیون) را کرایه کرد و به خدمت گرفت (آوری، ۱۳۷۷: ۲/۲۱۶). علاوه بر خودروهای مصادره‌ای، برخی کامیون‌داران ایرانی به صورت مقاطعه‌کاری با این شرکت همکاری می‌کردند و با عناوین رانندگان کوپنی و حرفه‌ای به ترابری کالاهای متفقین می‌پرداختند و در پایان جنگ صاحب کامیون‌هایی که با آنها کار می‌کردند، شدند. اغلب این خودروها در مزایده و با بهای کمی به آنان واگذار شد (مصاحبه با علی‌اصغر نژادیان، ۱۳۸۰/۱۰/۳۰). با افزایش نیاز به خودرو کامیون‌های تازه‌ای توسط آمریکایی‌ها از بغداد و بصره وارد ایران شد. در طول زمان اشغال ایران متجاوز از ۲۶۰۰ دستگاه از کامیون‌های ایران در خدمت قوای متفقین بود که علاوه بر حمل و نقل قوا و تجهیزات نظامی، آذوقه و اجناس، در جاده‌سازی، واردات و صادرات پشم و پوست و چرم، کنترل بر فروش لاستیک، باربری و گاراژداری، تعمیر خودرو و حمل و نقل قاچاق فعالیت داشت. به جهت فعالیت اقتصادی این شرکت باعث گرانی و قحطی مواد اساسی و حمل و انتقال به‌خارج از مرزهای ایران و افزایش تورم شد و تعرفه‌های حمل و نقل را نیز افزایش داد. اگرچه در اشتغال‌زایی موثر بود. به‌نظر می‌رسد که نظام حمل و نقل کالا تنها کارکرد این شرکت نبود، بلکه بهره‌گیری از امکانات این شبکه وسیع در خبرگیری و خبردهی از دیگر کارکردهای این شرکت بود که کمتر

بدان توجه شده است و پرداختن به این مقوله نیازمند واکاوی و تحقیق گسترده‌تری است. علاوه بر این شرکت‌های حمل و نقل و راه‌سازی متفقین (کامپاکس)^۹، زارعان را به‌جای زراعت به کار راه‌سازی در شرکت‌های حمل و نقل (کامپاکس) جذب می‌کردند. بر اساس گزارش اداره دارائی همدان؛ «این افراد به‌جای کار زراعت به کارگری اشتغال ورزیده، مشغول راه‌سازی هستند و به آنها مزد خوب می‌دهند. خوش‌نشین‌ها و رعایا به کارگری مشغول می‌شوند و سایر رعایا هم که در فواصل کار کشت و زرع بیکار می‌شوند، از آنها در کارگری استفاده می‌کنند» (ساکما: ۰۰۹۹-۲۴۰-۰۰۹۹۳). در پایان این گزارش دولت از اداره دارائی می‌خواهد که از این کار جلوگیری کند و اهتمام نماید که اشخاص ولگردی که به درد کارگری می‌خورند، جمع‌آوری و به کامپاکس معرفی شوند. نیروهای آمریکایی به عده زیادی از مردم شهر تعلیم رانندگی می‌دادند و ظرف یک هفته آنها را راننده کرده، ماشین در اختیار آنها قرار می‌دادند و آنها را معمولاً برای حمل آذوقه و مهمات از جنوب به مرزهای شوروی می‌فرستادند؛ «به این افراد شوfer (راننده) کوپنی می‌گفتند. آمریکایی‌ها به آنها ماشین می‌دادند تا مهمات و آذوقه را برای آنها حمل کنند و به آنها پول بیشتری می‌دادند» (مصاحبه با علی اصغر نژادیان، ۱۳۸۰/۱۰/۳۰).

مکان شرکت یوکی‌سی‌سی همدان در منطقه‌ای به نام «چاپارخانه» در مسیر راه همدان به جنوب کشور قرار داشت. اغلب قدیمی‌های همدان تا قبل از این که اسامی جدید برای این منطقه مرسوم شود، از واژه یوکی‌سی‌سی استفاده می‌کردند. منطقه قدیمی و معروف چاپارخانه شهر که پیش‌تر محلی برای پست شهری و حمل محمولات بود به جهت استقرار شرکت حمل و نقل و گاراژهای محل نگهداری کامیون‌ها و نزدیکی تعمیرگاه‌های ماشین‌های نظامی انگلیس و آمریکا به یک مرکز بزرگ تعمیرگاه خودرو تبدیل گردید. از زمان جنگ و بعد از آن در این مراکز فنی همدانی‌های زیادی به‌کار تعمیر خودرو تحت نظارت متفقین مشغول شدند که بعدها علاوه بر این که نسل اول تعمیرکاران خودرو در همدان را تشکیل دادند، از استادکاران بزرگ این حرفه در همدان شدند. این اتفاق باعث ایجاد بازار کار جدیدی در حوزه اقتصادی و درآمدزایی، اشتغال و گسترش شغل‌های جدید در همدان با مرکزیت تعمیر خودرو گردید. آموزش، تربیت شاگرد و آموختن فنون جدید، بنگاه‌داری و مهم‌تر از همه خبرگیری و خبررسانی از دیگر کارکردهای یوکی‌سی‌سی در همدان بود. اغلب محصولات صادراتی همدان توسط همین شرکت به دیگر نقاط و خارج از

۱- Campax به این شرکت کامپاکس هم گفته‌اند.

کشور ارسال می‌شد. یکی از پست‌های تفتیش قوای انگلیسی در همدان برای کامیون‌های یوکی - سی سی بود که علاوه بر نظارت بر عملکرد آنها، بر حمل چوب برای متفقین نظارت می‌کرد (اسنادی از اشغال ایران، ۱۳۸۹: ۳/ ۲۰۹). یکی از موارد شکایت اغلب رانندگان در آن زمان وجود اختلاف تعرفه‌های حمل بار بین افراد تحت پوشش شرکت‌های خارجی و شرکت‌های حمل و نقل ایرانی بود. این دسته از رانندگان به خاطر پائین بودن تعرفه‌های حمل و نقل غله در مسیر همدان به تهران به دفتر نخست وزیری شکایت کرده، خواهان افزایش نرخ باربری شدند. آنها در شکایات متعدد مدعی بودند که «اداره باربری داخلی قراردادی برای حمل و نقل ۱۸۰۰۰۰۰۰ کیلو گندم کرمانشاه و همدان به تهران را از قرار هر تن در کیلومتر یک ریال تعیین نموده، اما در ۲۵ شهریور (۱۳۲۰) شرکت تجاری ایران و انگلیس از قرار هر تن در کیلومتر دو ریال برای محمولات خود کرایه می‌پردازد» (ساکما: ۰۰۰۴-۰۰۰۲۶۴۵-۳۱۰). این شکایت صاحبان خودرو از بنگاه‌های باربری در حمل مهمات توسط انگلیسی‌ها از مرزهای غربی را هم شامل می‌گردید که در پی این اعتراضات وزارت دارائی موافقت کرد که برای رعایت حال آنها مبلغی به نرخ کرایه اضافه شود (همان: ۰۰۰۵-۳۱۰-۰۰۲۶۴۵).

۹- رکود صنایع:

اشغال ایران در بخش صنایع قدیم و جدید منجر به کاهش تولید، تعطیلی کارخانه‌ها و تصرف آنها توسط متفقین شد. برخی از کارخانه‌ها نیروهای متفقین برای اهداف نظامی مورد استفاده قرار گرفت (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۸۹). کاهش تولید و تعطیلی کارخانه‌ها متأثر از دو عامل کلی بود: یکی کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع و دیگر سیستم معیوب حمل و نقل و کمبود وسایل نقلیه. در این زمان نزدیک به ۱۲۵ هزار کارگر ایرانی در بخش‌های حمل و نقل و کارخانه‌های مختلف مونتاژ با دستمزد بسیار ناچیز به خدمت متفقین درآمدند که دستمزدشان از بودجه دولتی ایران پرداخت می‌گردید (برهانی و طیبی، ۱۳۹۸: ۱۶). شرایط جنگی باعث گردید که تولید بیشتر کارخانه‌ها متوقف شود و تعدادی از آنها به سختی و با تولید کمتر به فعالیت خود ادامه دهند. در حالی که میانگین تاسیس کارخانه در دهه ۱۳۱۰ هـ ش ۸ واحد بود، در زمان اشغال ایران به سالی دو واحد کاهش یافت (امرای، ۱۳۹۵: ۳۸). کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی به علت ممانعت از ورود آنها توسط نیروهای متفقین و تهدید این مراکز صنعتی از سوی اشرار به رکود

تولید انجامید و در روند عادی فعالیت آنها اختلالات بسیار بوجود آورد. کارخانه‌های خصوصی که بیشتر آنها قبل از جنگ به دولت منتقل شده بودند و توسط دولت اداره می‌شدند، به جهت شرایط نامناسب و عدم حمایت‌های مستمر دولتی کارایی خود را از دست داده، به صورت نیم بند فعالیت می‌کردند. تعطیلی کارخانه‌ها و اختلال در کار کارگران و بیکار شدن جمعیت زیادی از آنها باعث هیجان و اعتصاب این طبقه در اعتراض به وضع بد دستمزد، بی‌توجهی کارفرمایان، وضعیت نامناسب معیشتی شد. با توقف فعالیت معادن به سبب شرارت‌های محلی و تصرف آنها توسط نیروهای بیگانه، شاغلان معادن که روزگار خود را به سختی می‌گذراند، بیکار و به جمعیت معترضان اضافه شدند. علاوه بر این با توقف کارهای عمرانی نیز عده زیادی بیکار و این افراد در تهیه معیشت خود به سختی افتادند.

نبود تقاضای داخلی به سبب گرانی و افزایش فقر ناشی از اوضاع اقتصادی جنگ و عدم فروش محصولات یکی دیگر از عوامل رکود صنایع و عدم فعالیت آنها بود. کم شدن مواد اولیه در کشور که باعث افزایش قیمت تولیدات داخلی برخلاف محصولات خارجی می‌شد، بر رکود صنایع داخلی می‌افزود. عدم حمایت دولت از تاسیس و راه اندازی صنایع و کارخانه‌هایی که در جنگ آسیب دیده بودند و یا صناعی که در دوران اشغال در حال راه اندازی و تاسیس بودند و عدم تمایل بخش خصوصی در راه اندازی و سرمایه‌گذاری در صنایع جدید، این رکود و بازده نامناسب صنایع را دو چندان کرده، باعث گردید که مراکز صنعتی و تولیدات آنها به شدت آسیب ببیند. با این شرایط بخش صنعت نتوانست نیازهای جامعه و بازار را تامین کند و در این راه نیازمند محصولات و مواد مورد نیاز تولیدات صنعتی خارجی شد.

از لحاظ استقرار صنایع و کارخانجات و اشتغال شهرها و تقسیم شهرها به صنعتی و غیر صنعتی، همدان جزو شهرهای غیر صنعتی بود که فقط چند کارگاه و کارخانه کوچک در آن مستقر شده بود. با اشغال همدان فعالیت این چند مرکز صنعتی و تولیدی نیز متوقف گردید. شرکت چرم سازی همدان که در بهترین حالت با ۱۲۰۰ نفر کارگر به تولید و صادرات انواع محصولات چرمی می‌پرداخت، در زمان اشغال شهر پاره وقت فعالیت می‌کرد و تولید آن به یک سوم کاهش یافت و تقریباً با ۲۰۰ کارگر کار می‌کرد و بیشتر تولیدات این کارخانه با توجه به نیاز نیروهای متفقین نصیب آنها می‌شد. در این دوران فعالیت ۱۲ کارخانه کبریت سازی به ۳ کارخانه رسید اما مجدداً در سال ۱۳۲۵ش این تعداد به ۲۰ کارخانه افزایش یافت. پس از تعطیلی چند ماهه کارخانه کبریت هما و آغاز به کار آن در پی اعلامیه وزارت دارایی مبنی بر ممنوع بودن واردات کبریت خارجی

این کارخانه مجدداً تعطیل شد (آرشیو دیجیتال قطر، س، ش: ۰۰۲۰-۳۶۸۵-۱۲). به علت عدم تقاضا و کاهش میزان صدور فرش، فعالیت تولیدی شرکت فرش همدان متوقف شد. شرکت تولید برق مجبور بود فقط چند ساعت از شبانه روز به خانه‌ها و مغازه‌ها برق بدهد و در دیگر ساعات به علت فرسودگی دستگاه‌های تولید برق و سیاست متفقین در برقراری امنیت شهر قادر به ارائه خدمات نبود. تولیدات صناعی چون چوب بری، صابون سازی و تولید مواد غذایی با توجه به مصارف نظامی در خدمت نیروهای متفقین قرار گرفت.

این موضوع باعث بیکاری و نارضایتی جمعیت وسیعی از مردم شهر و مهاجران روستایی که به سختی معیشت روزانه خود را به دست می‌آوردند، شد. در این شرایط نامساعد کارگران ساختمانی و کارگاه‌های کوچک که اغلب مهاجران روستایی بودند و شاغلان نیمه وقت و نیمه ماهر و خدمتکاران با حداقل برخورداری روزگار می‌گذرانند. بیشتر کارگران به اتفاق خانواده‌هایشان در این کارگاه‌ها و پروژه‌های شهری و ساختمان سازی با حقوق بخور و نمیر مشغول کار بودند، عده‌ای هم در بخش معدن به استخراج مواد معدنی چون گچ و سنگ می‌پرداختند. جمعیت کارگری معدن به نسبت کارگران صنایع و روزمزد و ساختمان کمتر بود و معادن استخراجی محدود بود. طبق گزارش سفارت آمریکا در شهریور ۱۳۲۱ دستمزد یک کارگر معمولی روزانه تا ده ریال بود که با آن می‌توانست یک لقمه نان سفید خریداری نماید. هر کارگر روزانه ۳ تا ۷ ریال باید برای خوراک خودش می‌پرداخت (فلور، ۱۳۷۱: ۱۴۳). طبق گزارش‌ها، دستمزد کارگر غیر ماهر در همدان که تا پیش از مرداد ۱۳۲۰ روزی ۷ ریال بود، به ۳۵ ریال رسید طی دو هفته اخیر به مقدار قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت که اگر قرار باشد کارگران برای ادامه زندگی به درآمدهای ناچیزشان متکی باشند، امری ناگزیر است (مجد، ۱۳۹۵: ۶۲۲).

نتیجه گیری:

در زمان جنگ جهانی دوم، همدان برای قوای متفقین نه تنها به سبب موقعیت جغرافیایی و محل استقرار مسیر تجاری جنوب و غرب دارای اهمیت بود بلکه برای به دست آوردن مایحتاج و عرضه کالا اهمیت زیادی یافت و این منطقه در این ایام مورد توجه آنها قرار گرفت. داده‌ها و اطلاعات نشان می‌دهد که اغلب پیامدهای اقتصادی و عملکرد نیروهای متفقین در این حوزه از تأثیرات موقت، مستقیم و کوتاه مدت زمان جنگ در این منطقه محسوب می‌شوند. پیامدهایی که از لحاظ زمانی به سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ش محدود می‌شد و مردم منطقه فقط در این محدوده

زمانی با مشکلات متعدد اقتصادی و معیشتی مواجه شدند. به تدریج با دور شدن منطقه از فضای جنگ این شرایط اقتصادی مردم رو به بهبودی نهاد. تاثیرات و تحولات کوتاه مدت برای مردم در زمان جنگ پیامدهای عینی و ملموس محسوب می‌شد. در این زمان بروز مشکلات متعدد اقتصادی برای همگان قابل رویت بود و مردم به طور مستقیم با آنها دست و پنجه نرم می‌کردند. به این خاطر در زمان جنگ اولویت اول مردم رفع نیازها و مشکلات اقتصادی بود.

پیامدهای منفی جنگ جهانی دوم در فعالیتهای اقتصادی این حادثه باعث کمبود و احتکار گندم و دیگر محصولات کشاورزی و ارسال آن به خارج گردید که در پی آن گرانی، تورم و نارضایتی شکل گرفت. کاهش تولید و درآمد باعث به هم خوردن عرضه و تقاضا در شهر گردید و از رونق کسب و کار و درآمد بازار کاسته شد. سیر تجارت و داد و ستد داخلی و خارجی در این دوره بیشتر یک سویه شد و در این مسیر یک سویه کالاهای وارداتی در حجم زیاد بازار شهر را اشباع نمود و محصولات منطقه که با سختی زیاد صادر می‌شد میزان آن به نازلترین حد خود در این دوران رسید. اغلب صنایع قدیم و جدید موجود در منطقه یا تعطیل گردیدند و یا در پی واردات اقلام خارجی از بین رفتند. شاغلان زیادی از این مراکز اخراج و یا بیکار شدند. در اختیار گرفتن راههای ارتباطی توسط متفقین و نامناسب بودن اغلب آنها علاوه بر ایجاد و گسترش ناامنی در راهها و کندی شبکه حمل و نقل باعث گردید تولیدات به موقع صادر نگردد و خیلی از محصولات کشاورزی در منطقه از بین برود.

در زمان جنگ برپایی مراکز تعمیرگاهی به خصوص وسایل نقلیه نظامی گسترش یافت. در این مراکز جمعیت زیادی از مردم شهر مشغول کار شده که برخی از آنها به استادکاران مجربی در آینده تبدیل شدند. به سبب احتیاج نیروهای متفقین راههای زیادی در حوزه شهر و روستاهای منطقه ساخته، بازسازی و آسفالت گردید تا نیروهای متفقین در حمل و نقل نیرو و تجهیزات مشکلات کمتری داشته باشند. در بخش راههای مواصلاتی در این زمان خروجیهای اصلی شهر به غرب، شرق و جنوب تا حدودی ترسیم و احداث گردید. بسیاری از راههای ارتباطی منطقه و حتی طراحی برخی از خیابانهای شهر ارمغان حضور متفقین در همدان بود. برج مراقبت همدان در زمان جنگ توسط متفقین ساخته و فرودگاه آن مورد استفاده قرار گرفت. این اتفاقات از پیامدهای مثبت جنگ در حوزه اقتصادی بود. تاثیرات پیامدهای مثبت بخش اقتصادی بیشتر در دوران پسا جنگ خود را نشان داد که به عنوان ارمغان دوران جنگ در منطقه دارای کارکرد مهمی در زمینه اشتغال، ارتباطات و ایجاد راههای مواصلاتی گردید.

منابع:

کتاب

- ۱- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۹ش)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ۲- آوری، پیتیر، (۱۳۷۷ش)، تاریخ ایران از رضاشاه تا انقلاب اسلامی، مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ج ۲.
- ۳- اسکرین، کلارمونت، (۱۳۶۳ش)، جنگ‌های جهانی در ایران، ترجمه حسین نجف‌آبادی فراهانی، تهران، نوین.
- ۴- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، (۱۳۸۹)، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ج ۸.
- ۵- باری‌یر، جولیان، (۱۳۷۸ش)، اقتصاد ایران (۱۹۰۰-۱۹۷۰م)، ترجمه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه، تهران، موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه.
- ۶- بولارد، ریدر، (۱۳۶۳ش)، شترها باید بروند، حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، چ دوم.
- ۷- پیرا، فاطمه، (۱۳۷۹ش)، روابط سیاسی اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۸- خان‌ملک یزدی، محمد، (۱۳۲۴ش)، ارزش مساعی ایران در جنگ (۱۹۳۹-۱۹۴۵م)، تهران، وزارت کشاورزی.
- ۹- ذوقی، ایرج، (۱۳۶۸ش)، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، پازنگ.
- ۱۰- زرین کلک، بهناز، (۱۳۸۲ش)، اسنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۰-۱۳۲۵ش)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ۱۱- صور اسرافیلی، شیرین، (۱۳۷۵ش)، تاریخ منقوش فرش همدان، تهران، مینا.
- ۱۲- غلامی، شهرام، (۱۳۹۷ش)، اقتصاد کشاورزی ایران در دوره پهلوی اول، تهران، دنیای اقتصاد.
- ۱۳- فوران، جان، (۱۳۹۲ش)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

- ۱۴- قطبی، بهروز، (۱۳۸۹ش)، گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، تهران، اطلاعات.
- ۱۵- کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۴ش)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۶- مجد، محمدقلی، (۱۳۹۶ش)، پل پیروزی سرزمین قحطی ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۲۰)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۷- -----، (۱۳۸۹ش)، رضا شاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت آمریکا، مصطفی امید، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۸- نجمی، ناصر، (۱۳۷۰ش)، از سیدضیاء تا بازرگان، تهران، ناشر مولف، ج ۱.
- ۱۹- نوشیروانی، وحید، (۱۳۸۹ش)، تجارت در دوره پهلوی، کتابخانه دانشنامه جهان اسلام، (تجارت در جهان اسلام)، تهران، مرجع.

مقالات

- ۱- احمدی، نعمت و صادقی، یونس، (۱۳۹۲ش)، «جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران» (با تاکید بر نقش انگلیس)، پژوهش نامه تاریخ، سال ۸، شماره ۳۲.
- ۲- -----، (۱۳۹۱ش)، «ورود متفقین به ایران و مسئله آلمانها»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۷، شماره ۲۵.
- ۳- اشرفی، ف، (۱۳۷۱ش)، «اشغال ایران در ماه اوت ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰) به دست انگلیس و شوروی»، ترجمه محمدتقی بهرامی، نشریه تاریخ معاصر ایران، کتاب چهارم، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ۴- امرایی، شمس الدین، (۱۳۹۵ش)، «بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم»، تاریخ نامه خوارزمی، شماره ۱۲.
- ۵- اللهیاری، فریدون، (۱۳۹۵ش)، «تاثیر تحولات شهری بر بازار اصفهان دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۱، شماره ۴۳.
- ۶- برهانی، مرجان، (۱۳۹۵ش)، «بررسی مستند مداخلات انگلیس در امور داخلی ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۴ش)»، گنجینه اسناد، شماره ۱۰۳.

- ۷- برهانی، مرجان و طیبی، محمد، (۱۳۹۸ش)، «پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر اقتصاد صنعتی ایران»، فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۱۰، شماره ۱۸.
- ۸- دهقان‌نژاد، مرتضی و لطفی، الهام، (۱۳۹۳ش)، «کمبود مواد غذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم»، پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۶، شماره اول.
- ۹- راعی‌گلوچه، سجاد، (۱۳۹۱ش)، «بررسی مداخله انگلیسی‌ها در امور اقتصادی ایران در جریان جنگ جهانی دوم»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۲، شماره ۱۶.
- ۱۰- ساعد مراغه‌ای، محمد، «بحران اقتصادی در سال‌های اشغال»، سالنامه دنیا، شماره ۳۰، سال ۱۳۵۳.
- ۱۱- سلیمانی، کریم و عزیزخواه، جمیله، (۱۳۹۱ش)، «اقدامات میلپو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۱»، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی، سال ۳، شماره ۱۲.
- ۱۲- کرمی، شایان، (۱۳۹۷ش) «نوسازی نظام آبیاری سنتی در غرب ایران: دوره پهلوی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۳، شماره ۴۹.
- ۱۳- شجاعی دیوکلائی، حسن، (۱۳۸۹ش)، «پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی در ایران»، تاریخ ایران، شماره ۶۵/۵.
- ۱۴- گلشایان، عباسقلی، (۱۳۹۳ش)، «یادداشت‌های شهریور ۱۳۲۰»،
- ۱۵- یزدانی، سهراب و شجاعی دیوکلائی حسن، (۱۳۹۸ش)، «تاثیر تمرکزگرایی بر اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول»، تاریخ ایران، شماره ۵.

اسناد

- ۱- آرشیو دیجیتال قطر (IOR/L/PS)، سند شماره: ۱۲-۳۶۸۵-۰۰۹۸؛ ۱۲-۳۶۸۵-۰۰۲۲؛ ۱۲-۳۶۸۵-۰۰۲۰؛ ۱۲-۳۶۸۵-۰۰۱۲؛ ۱۲-۳۶۸۵-۰۰۵۸.
- ۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، سند شماره: ۲۹۰-۰۰۸۳۶۲-۰۰۰۲؛ ۲۹۰-۰۰۵۶۷-۲۴۵-۲۹۱؛ ۲۹۳-۰۰۵۶۶۶-۰۰۰۶؛ ۱۴-۲۳۳۳-۲۹۲؛ ۰۱۰۰-۰۰۰۹۹۳-۲۴۰؛ ۰۰۰۸-۰۰۵۴۸۰۳-۲۴۰؛

۰۰۰۴-۰۰۲۶۴۵-۳۱۰ : ۲۴۰-۰۰۰۹۹۳-۰۰۹۹ : ۲۴۰-۰۰۹۲۳۵۹-۰۰۰۴ : ۲۴۰-۰۰۲۳۵۰۳-۰۰۲۰
۰۰۰۵-۰۰۲۶۴۵-۳۱۰

روزنامه

۱- روزنامه اطلاعات: ش ۴۷۶۶ (س ۱۳۲۰)، ش ۴۹۵۷ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۷۲۸ (س ۱۳۲۰)،
ش ۵۰۵۳ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۳۰ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۳۳۴ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۲۳ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۸۱۹،
ش ۵۲۱۹ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۹۶۵ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۹۸۰ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۲۲ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۰۷۹ (س ۱۳۲۰)،
ش ۵۳۵۷ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۴۴ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۴۳ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۷۱ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۸۰ (س ۱۳۲۱)،
ش ۵۲۶۷ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۲۰ (س ۱۳۲۱)، ش ۵۲۴۱ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۹۸۷ (س ۱۳۲۱)، ش ۴۶۶۰ (س ۱۳۲۰).

۲- روزنامه رعد امروز، س ۱۳۲۳، ش ۱۶۰.

تاریخ شفاهی

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (همدان) (ساکما)، آرشیو تاریخ شفاهی،
مصاحبه با علی اصغر نژادیان: ۱۳۸۰.